

رسیدگی‌های بدون کیفرخواست در حقوق ایران و انگلستان

غلامحسین الهام^۲امیرحسین بحیرایی^{۱*}

چکیده

رسیدگی اختصاری یا بدون کیفرخواست در نظام حقوقی انگلستان به‌منظور سرعت بخشی به رسیدگی در مورد جرائم خرد در دادگاه‌های صلح مورد پذیرش قرار گرفته است. در این نوع از رسیدگی که نزدیک به حدود ۹۵ درصد از رسیدگی‌ها را شامل می‌شود تشریفات رسیدگی مانند هیأت منصفه حذف می‌شود و رسیدگی معمولاً توسط قضات غیرحرفه‌ای با هزینه‌ای ارزان صورت می‌گیرد. این جرائم همگی در دادگاه صلح مورد رسیدگی قرار می‌گیرند. در حقوق ایران مصادیق دادرسی بدون کیفرخواست شامل جرائم تعزیری درجه هفت و هشت، جرائم منافی عفت، جرائم اطفال و نوجوانان، قرار جلب به دادرسی توسط دادگاه، جرائم ارتكابی توسط رئیس‌جمهور، برخی جرایم روحانیون، پرداخت دیه در موارد خاص، رسیدگی به برخی جرائم در صلاحیت دادگاه بخش، حصول لوث در دادرسی در پرونده قتل عمدی و شورای حل اختلاف می‌باشد. اگرچه تعیین این شیوه از دادرسی در مصادیق مورد بحث، با مبانی مختلفی همانند سرعت در دادرسی، شأن متهم، رویکرد بزه‌پوشی، کاهش هزینه رسیدگی و ... همراه هست اما در این موارد عموماً برخی از مهم‌ترین اصول دادرسی عادلانه از جمله تفکیک بین مقامات قضایی، تفکیک بین مقام تعقیب و تحقیق، بی‌طرفی مقام قضایی خدشه‌دار می‌شود لذا در این مقاله، مصادیق دادرسی بدون کیفرخواست مورد واکاوی قرار گرفته و سعی در ارائه پیشنهاداتی برای رفع ایرادات آن شده است.

تاریخ دریافت:

۱۳۹۹/۰۸/۳۰

تاریخ قبولی:

۱۳۹۹/۱۱/۱۴

قابل داندود از تاریخ:

۱۳۹۹/۱۲/۰۴

کلیدواژه‌ها:

دادرسی اختصاری، رسیدگی بدون کیفرخواست، دادگاه صلح، سرعت در رسیدگی، طرح مستقیم دعوا در دادگاه.

۱ مقدمه

از مقام رسیدگی‌کننده است. با این حال، قوانین کشورها یکی بودن این دو مقام را در برخی جرائم پذیرفته‌اند که از آن به دادرسی بدون کیفرخواست یاد می‌شود.

دادرسی بدون کیفرخواست در حقوق ایران، به شیوه‌ای گفته می‌شود که دادگاه‌های کیفری بدون آن که کیفرخواستی از سوی دادستان صادر شود شروع به رسیدگی می‌کنند. این شیوه در نظام حقوقی انگلستان به‌منظور تسریع در رسیدگی در مورد جرائم خرد و کوچک

دادرسی عادلانه یکی از اساسی‌ترین پایه‌های هر نظام حقوقی می‌باشد. از ضروریات ایجاد عدالت در دستگاه قضایی بررسی عادلانه بودن شرایط شکلی رسیدگی در دادگاه‌ها هست که باید از طریق قوانین عادلانه، امکان برقراری توازن میان حقوق متهم و جامعه فراهم آید. یکی از شرایط تحقق دادرسی منصفانه، تفکیک مقام تعقیب

* نویسنده مسئول

^۱ دانشجوی مقطع دکتری حقوق جزا و جرم‌شناسی دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران، تهران، ایران.^۲ دانشیار حقوق جزا و جرم‌شناسی دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران، تهران، ایران.

مقام تعقیب و تحقیق همراه هست و فقط سعی در دادرسی سریع و ارزان هست که از طریق قضاوت افتخاری حقوق نخوانده با بیشترین سرعت سامان می‌یابد.

۱.۲ مصادیق دادرسی بدون کیفرخواست

در این مبحث، مصادیق دادرسی بدون کیفرخواست و نحوه رسیدگی به آن‌ها بر اساس شخصیت متهم، ماهیت جرم و مرجع رسیدگی‌کننده مورد بررسی قرار گرفته است. در هر یک از دسته‌بندی‌های سه گانه مصادیقی به‌عنوان مصادیق دادرسی بدون کیفرخواست مطرح شده است و چون دادرسی بدون کیفرخواست در حقوق انگلستان مختص به جرائم اطفال و جرائم خرد می‌باشد؛ در حین بحث از این مصادیق، به بحث تطبیقی پرداخته شده است.

۱.۲.۱ رسیدگی‌های بدون کیفرخواست بر

اساس شخصیت متهم

گاهی صلاحیت شخصی به‌عنوان عاملی در تعیین شیوه‌ی رسیدگی است و رسیدگی در مرجع خاصی انجام می‌شود. صلاحیت شخصی صلاحیتی است که در آن دادگاه یا دادرسی صالح، بر اساس شخصیت متهم تعیین می‌گردد. در گذشته وابستگی‌های طبقاتی و موقعیت اجتماعی در تعیین صلاحیت دادگاه رسیدگی‌کننده مؤثر بود، اما دیگر این معیارهای ناعادلانه در تعیین صلاحیت مراجع قضایی از بین رفته است. با این وجود امروزه با توجه به دستاوردهای برخی علوم، جرائم برخی افراد با توجه به سن یا مقام اجتماعی آنان در مراجع خاص مورد رسیدگی قرار می‌گیرد. (آشوری، ۱۳۸۴، ج ۲: ۸۴)

در نظام حقوقی ایران سه مصداق وجود دارد که بر اساس شخصیت متهم (صلاحیت شخصی)، رسیدگی بدون کیفرخواست انجام می‌شود؛ یکی در جرائم رئیس‌جمهور که جرائم عادی و مرتبط با وظیفه‌ی ارتكابی ریاست جمهوری، مستقیماً در صلاحیت دادگاه‌های تهران و دیوان عالی کشور می‌باشد و دادرسی اختیاری در رسیدگی به این جرائم ندارد؛ مورد دوم مربوط به جرائم اطفال زیر

استفاده می‌شود. در نظام حقوقی ایران، همه‌ی جرائم در ابتدای کار به دادرسی شکایت می‌شوند و تشخیص این‌که این جرم باید در دسته‌ی بدون کیفرخواست یا دادرسی مستقیم در دادگاه قرار بگیرد با دادرسی می‌باشد. از طرف دیگر در حقوق انگلستان پس از این‌که تحقیقات همه‌ی جرائم توسط پلیس انجام شد پرونده در اختیار دادستان سلطنتی قرار می‌گیرد و اگر دادستان سلطنتی دلایل را کافی ببیند، پرونده را به دادگاه صلح^۱ می‌فرستد تا مانند دادرسی در حقوق ایران تصمیم‌گیری کند و حسب مورد خود رسیدگی کند و یا پرونده را به دادگاه جزا^۲ بفرستد. دادگاه صلح با حذف تشریفات مثل حضور هیأت منصفه و با حضور قضاتی که از افراد عادی هستند (حقوق نخوانده‌ها) رسیدگی می‌کند. در این مقاله سعی بر آن است که با بررسی مصادیق و نحوه رسیدگی در دادرسی بدون کیفرخواست یک واکاوی تطبیقی نسبت به این شیوه از رسیدگی صورت گیرد و در نهایت پیشنهاداتی نسبت به این نوع از رسیدگی مطرح شود.

۱.۱ مفهوم دادرسی بدون

کیفرخواست

دادرسی بدون کیفرخواست در حقوق ایران، به شیوه‌ای گفته می‌شود که دادگاه‌های کیفری بدون آن‌که کیفرخواستی از سوی دادستان صادر شود شروع به رسیدگی می‌کنند. در حقوق ایران در اکثر مصادیق دادرسی بدون کیفرخواست، دادرسی نقشی در تحقیقات مقدماتی ندارد یعنی دادرسی بدون کیفرخواست با حذف دادرسی از فرآیند رسیدگی همراه هست اما در برخی از موارد مانند صدور قرار جلب به دادرسی توسط دادگاه، دادرسی تحقیقات مقدماتی را انجام می‌دهد.

در نظام حقوقی انگلستان، این شیوه‌ی رسیدگی به‌منظور تسریع در رسیدگی به جرائم خرد مورد استفاده قرار می‌گیرد که در آن دادرسی بدون تشریفات و به‌صورت ساده و کم‌هزینه انجام می‌شود. این نوع دادرسی بدون حضور هیأت منصفه در دادگاه صلح و با حضور یک تا سه نفر از قضاوت حقوق نخوانده انجام می‌شود. (مارتین، ۲۰۱۴: ۱۲۹)^۳ این شیوه از رسیدگی در حقوق انگلستان با تفکیک

³ martin,2014:129

¹ Magistrate court

² Crown court

حین رسیدگی به جرائم اطفال و نوجوانان دارای شرایط خاصی هست که آن را به یک دادگاه تخصصی در رسیدگی به جرائم اطفال و نوجوانان تبدیل می‌کند. (پارتینگتون، ۲۰۱۲: ۱۲۱) در مورد نحوه رسیدگی به جرایم اطفال و نوجوانان در این دو نظام حقوقی شایان ذکر است که قانون‌گذاران سازوکاری افتراقی را پیش‌بینی نموده‌اند و در آن بر تخصص قضات تکیه شده است.

۱.۲.۱.۲ جرایم رئیس جمهور

در این مورد، مبنای اصلی رسیدگی بدون کیفرخواست شأن متهم می‌باشد که اقتضا دارد به اتهام رئیس‌جمهور به سرعت و در خارج از فضای دادرسی رسیدگی شود تا زمینه‌ی نیل به اهداف دادرسی در مورد رئیس‌جمهور فراهم آید. فضای دادرسی و تحقیقات مقدماتی در آن، با شأن رئیس‌جمهور هماهنگی ندارد و در صورت حضور رئیس‌جمهور مرتکب جرم در دادرسی امکان ایجاد تلاطم در جامعه وجود دارد.

طبق اصل ۱۴۰ ام قانون اساسی، رسیدگی به اتهام رئیس‌جمهور و معاونان او و وزیران در مورد جرائم عادی با اطلاع مجلس شورای اسلامی در دادگاه‌های عمومی دادگستری انجام می‌شود. طبق نظریه‌ی تفسیری شماره ۱۰۸۷۰ شورای نگهبان، جرائم عادی در این اصل در مقابل جرائم سیاسی و مطبوعاتی قرار می‌گیرد؛ پس جرائم سیاسی و مطبوعاتی رئیس‌جمهور خارج از اصل ۱۴۰ قانون اساسی بحث می‌شوند. به نظر می‌رسد که در مورد این دو دسته از جرائم باید طبق عموماً عمل کرد و رسیدگی به این جرائم با حضور هیات منصفه انجام می‌شود.

در ماده‌ی ۱۹ قانون تعیین حدود وظایف و اختیارات و مسؤولیت‌های ریاست جمهوری^۳ مصوب سال ۶۵، جرائم عادی و تخلفات مرتبط با وظایف ریاست جمهوری، به ترتیب مستقیماً در صلاحیت دادگاه عمومی تهران و دیوان عالی کشور می‌باشد و دادرسی اختیاری ندارد یعنی رسیدگی به این جرائم بدون کیفرخواست می‌باشد. منظور از دادگاه‌های عمومی تهران، مذکور در ماده‌ی ۱۹ با توجه به اصلاح ساختار محاکم کیفری به‌موجب قانون مؤخر، دادگاه

۱۵ سال هست که مستقیماً در صلاحیت دادگاه اطفال و نوجوانان قرار دارد و دیگری هم در برخی جرائم روحانیون.

۱.۲.۱.۱ رسیدگی به جرایم اطفال و نوجوانان

در این نوع از رسیدگی، شخصیت آسیب‌پذیر متهم به‌عنوان مبنای رسیدگی جرائم او به شکل بدون کیفرخواست است تا آنجا که شرایط خاص اطفال بزهکار باعث شده که قانون‌گذاران یک دادرسی افتراقی را برای آنان در نظر بگیرد. قانون‌گذاران به دنبال این هستند که با حمایت از اطفال بزهکار که مجرمین اتفاقی هستند از تبدیل آنان به یک بزهکار حرفه‌ای جلوگیری کنند و به بازگشت آنان به جامعه کمک نمایند. یکی از شیوه‌هایی که قانون‌گذار برای نیل به این هدف در نظر گرفته است این بوده که اطفال بزهکار وارد فضای دادرسی عمومی و انقلاب نشوند و شخصیتشان مورد آسیب قرار نگیرد.

با وجود اینکه تحقیقات مقدماتی در جرائم اطفال زیر ۱۵ سال در صلاحیت دادگاه اطفال و نوجوانان است قانون‌گذار در مورد اطفال ۱۵ تا ۱۸ سال طبق ماده‌ی ۲۸۵ قانون آیین دادرسی کیفری شیوه‌ای دیگر در پیش‌گرفته است و تحقیقات جرائم آن‌ها را (جز در مورد ماده‌ی ۳۴۰ و ۳۰۴ قانون آیین دادرسی کیفری) در صلاحیت دادرسی ویژه‌ی اطفال و نوجوانان قرار داده و به‌عبارت‌دیگر دادرسی در مورد آن‌ها با کیفرخواست است. (گلدوست، ۱۳۹۶: ۳۱۵-۳۱۹)

در حقوق انگلستان برخلاف حقوق ایران یک دادگاه اختصاصی جداگانه برای رسیدگی به جرائم اطفال پیش‌بینی نشده است. در حقوق انگلستان دادگاه اطفال و نوجوانان شعبه‌ای تخصصی از دادگاه صلح می‌باشد و در محل دادگاه صلح تشکیل جلسه می‌دهد. در اینجا هم رسیدگی به جرائم اطفال مانند حقوق ایران بدون کیفرخواست می‌باشد و خبری از تشریفات رسیدگی در دادگاه جزایی^۱ نیست هرچند که در برخی از شرایط و تشریفات با دادگاه صلح متفاوت است. دادگاه صلح در

¹ Crown court

² partington, 2012:121

³ ماده ۱۹ - رسیدگی به اتهامات مربوط به تخلفات در رابطه با وظایف و اختیارات رئیس‌جمهور در صلاحیت دیوان عالی

کشور است و در جرایم عادی از طریق دادگاه‌های عمومی دادگستری تهران و با اطلاع مجلس صورت می‌گیرد تبصره - در هرکدام از اتهامات نامبرده رسیدگی مستقیماً به‌وسیله دادگاه انجام‌گرفته و دادرسی حق دخالت ندارد.

۱.۲.۱.۳ رسیدگی به جرائم روحانیون

در بررسی مصادیق دادرسی بدون کیفرخواست در دادگاه روحانیت باید اولاً به ماده‌ی ۳۳ آیین‌نامه روحانیت^۳ اشاره کرد. طبق ماده ۳۳، در جرائم خرد امکان رسیدگی بدون کیفرخواست در دادگاه وجود دارد. در این ماده آمده است «در صورتی که جرم ارتكابی روحانی، از جرائم خرد باشد و تحقیقات کامل باشد یا نیاز به تحقیقات نباشد دادستان بلافاصله ادعانامه کیفری را در دادگاه مطرح می‌نماید». این ماده تقریباً با آنچه در ماده ۸۶ قانون آیین دادرسی کیفری در مورد کیفرخواست شفاهی مطرح است منطبق می‌باشد. ثانیاً؛ طبق تبصره ماده ۳۹ حکم بدیعی در دادگاه روحانیت جریان دارد و آن اینکه هرگاه دادگاه در خلال دادرسی از جرم جدیدی آگاه شود مجاز به رسیدگی و صدور حکم خواهد بود. در اینجا اگر فرض را بر این بگیریم که تحقیقات این جرم جدید در دادسرا انجام نشده، آنگاه رسیدگی به صورت مستقیم در دادگاه است و دادسرا اختیاری ندارد. ثالثاً؛ باید به آخرین ماده آیین‌نامه روحانیت^۴ اشاره کرد که در آن، به جز موارد مطروحه در آیین‌نامه، اختیارات دادسرا و دادگاه روحانیت را تابع مقررات عمومی آیین دادرسی کیفری می‌داند پس در صورتی که یک روحانی جرم منافی عفت یا تعزیری درجه‌ی هفت و هشت با شرایط مذکور انجام دهد آنگاه باید این جرم، به صورت مستقیم در دادگاه روحانیت رسیدگی شود یا اگر رئیس‌جمهور روحانی مرتکب جرمی شود رسیدگی به صورت بدون کیفرخواست در دادگاه روحانیت تهران خواهد بود. در مورد نحوه‌ی عملکرد دادگاه و دادسرای ویژه روحانیت باید گفت که اصل بر آن است که این دو بر اساس آیین‌نامه‌ی خود عمل کنند و در موارد سکوت آیین‌نامه باید قوانین آیین دادرسی کیفری و آیین دادرسی مدنی را حاکم دانست.

کیفری تهران است. همگام با این دیدگاه، در قانون آ.د.ک در ماده‌ی ۳۰۷ رسیدگی به جرائم روسای قوای سه‌گانه را در صلاحیت دادگاه‌های عمومی تهران دانسته است.^۱

در اصل ۱۴۰ قانون اساسی رسیدگی باید با اطلاع به مجلس در دادگاه‌های دادگستری صورت گیرد و این اطلاع باید کامل باشد. اطلاع کامل حداقل حاوی شرح اتهام، دلایل آن، مرجع اعلام جرم یا شکایت، اعتبار مدارک و دلایل و تصریح بر قابلیت تعقیب باشد تا امکان آگاهی مجلسی‌ها و مردم از جزئیات این مسئله فراهم گردد. (الهام، ۱۳۹۲/۹/۲۷) همچنین در مورد رسیدگی به جرائم رئیس‌جمهور ذکر این نکته ضرورت دارد که در صورتی می‌توان رئیس‌جمهور را برای ارتکاب جرم مورد تعقیب قرارداد که جرم ارتكابی‌اش در مقام انجام اعمال حاکمیتی نباشد زیرا طبق تبصره‌ی ماده‌ی ۲۰ قانون مجازات اسلامی در صورتی که رفتار راجع به حاکمیت باشد طرح دعوا قابل‌پذیرش و استماع نخواهد بود^۲، این تبصره به طریق اولی در مورد رئیس‌جمهور که مقام بالاتری دارد قابل اعمال است.

در قوانین موجود در مورد طریقه‌ی اعمال این وظیفه یعنی رسیدگی به تخلف رئیس‌جمهور توضیحی داده نشده است. به عبارت دیگر مشخص نشده که در صورت ارتکاب جرم مرجع رسیدگی کدام قسمت از دیوان عالی کشور است. شعبه اول دیوان؟ شعبه‌ای از دیوان؟ هیأت عمومی و یا هیأتی خاص؟ (توحید خواه، ۱۳۹۱: ۷۰) برخی معتقدند رسیدگی به تخلف رئیس‌جمهور باید در هیأت عمومی دیوان عالی کشور باشد زیرا هیأت عمومی تنها بخشی است که با حضور روسای شعب، رئیس دیوان عالی کشور، دادستان یا نماینده وی تشکیل می‌شود و نظریه‌ی دادستان یا نماینده‌اش مطرح می‌شود.

^۳ ماده ۳۳ - در جرائم جزئی که تحقیقات مقدماتی آن کامل شده یا نیاز به تحقیقات نباشد، دادستان بلافاصله ادعانامه کیفری خود را در دادگاه مطرح نموده و دادگاه حکم صادر می‌نماید

^۴ ماده ۵۲. به جز در مواردی که در این قانون تصریح شده است، وظائف و اختیارات قضات دادسرا و دادگاه حسب مورد بر طبق مقررات عمومی آیین دادرسی کیفری می‌باشد.

^۱ طبق ماده ۳۰۷ قانون آئین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۲ «رسیدگی به اتهامات رؤسای قوای سه‌گانه و معاونان و مشاوران آنان، در صلاحیت دادگاه‌های کیفری تهران است، مگر آنکه رسیدگی به این جرائم به موجب قوانین خاص در صلاحیت مراجع دیگری باشد».

^۲ مجازات موضوع این ماده، در مورد اشخاص حقوقی دولتی و یا عمومی غیردولتی در مواردی که اعمال حاکمیت می‌کنند، اعمال نمی‌شود.

نوع مجازات دادگاه کیفری دو یا کیفری یک می‌باشد. (طهماسبی، ۱۳۹۶، ج ۲: ۲۱۳) تبصره‌ی اصلاحی ماده‌ی ۳۰۶ به تفسیر جرائم منافی عفت در ماده‌ی ۳۰۶ می‌پردازد و آن را محدود به جرائم جنسی حدی و رابطه‌ی نامشروع تعزیری می‌داند. پس تحقیقات مقدماتی جرائم زنا، لواط، تفریض، مساحقه، قوادی و جرائم رابطه‌ی نامشروع تعزیری مانند تقبیل و مضاجعه به‌صورت مستقیم در دادگاه انجام می‌گیرد و دادسرا در انجام آن نقشی ندارد و به‌عبارت‌دیگر رسیدگی بدون کیفرخواست هست.

شایان‌ذکر است اگرچه همواره تأکید بر بزه‌پوشی در جرائم منافی عفت مورد قبول است اما متن ماده‌ی ۱۰۲ قانون آیین دادرسی کیفری مورد انتقاد است زیرا واضح هست که راه رسیدگی و تحقیق و بدتر از آن پرسش در مورد جرائم منافی عفت جز در موارد مذکور در ذیل ماده را می‌بندد و این مسئله گاهی موجب تضییع حقوق بزه دیدگانی می‌شود که تمایلی به شکایت و برملا ساختن واقعیت ندارند؛ درحالی‌که ممکن است هم‌زمان اخبار متعدد و موثق این جرائم، در ذهن افراد جامعه لزوم بررسی از سوی مراجع قضایی را ایجاب نماید. این در حالی است که در قانون آیین دادرسی کیفری قدیم در ذیل تبصره‌ی ماده ۴۳، تحقیق در جرائم منافی عفت را فقط در دو مورد مجاز می‌دانست؛ یکی در جرائم مشهود و دیگری در موارد دارای شاکی خصوصی.^۳ (طهماسبی، ۱۳۹۶، ج ۲: ۲۱۱)

۱.۲.۲.۲ رسیدگی به جرایم خرد

مبانی رسیدگی بدون کیفرخواست در جرائم خرد عبارت‌اند از؛ سرعت در رسیدگی، کاهش هزینه‌های نظام قضایی و تورم‌زدایی از پرونده‌های کیفری. در حقوق ایران، جرائم تعزیری درجه هفت و هشت جرائم خردی^۴ هستند که ماده‌ی ۳۴۰ قانون آیین دادرسی کیفری^۵ رسیدگی به آن‌ها را به شکل بدون کیفرخواست در نظر گرفته است. طبق

۱.۲.۲ رسیدگی‌های بدون کیفرخواست بر اساس ماهیت مجازات

این عنوان شامل جرائم منافی عفت، جرائم تعزیری درجه هفت و هشت و حکم به دیه در موارد خاص می‌باشد. اگرچه در جای خود اثبات‌شده است که دیه مجازات نیست و از جهات مختلف با مجازات تفاوت دارد اما در این میحث مسامحتاً دیه به عنوان مجازات در نظر گرفته شده است.

۱.۲.۲.۱ رسیدگی به جرایم منافی عفت:

از نظر مبنایی باید گفت که مطرح‌شدن جرائم منافی عفت در دادسرا و انتشار اخبار ناشی از آن و رفت‌وآمد به فضای دادسرا با سیاست بزه‌پوشی در این جرایم در فقه اسلامی هماهنگی ندارد و سبب عادی شدن این جرائم و از بین رفتن قبح آنان می‌گردد. ماده‌ی ۱۰۲ قانون آیین دادرسی کیفری^۱ هم با همین مبنا تعقیب و تحقیق و حتی پرسش از هیچ فردی را در این جرائم مجاز نمی‌داند. در ذیل ماده مواردی را استثنا می‌کند که در آن‌ها دیگر بزه پوشی جایی ندارد و بزه‌پوشی در مقام تعارض با حق مدعی خصوصی، حق جامعه و ارتکاب علنی جرم کنار می‌رود. (حداد زاده نیری، ۱۳۸۸: ۹) نتیجه این‌که تمام پرونده‌های مربوط به جرائم منافی عفت باید یکی از مصادیق ذیل ماده‌ی ۱۰۲ باشد و اگر در غیر از این چهار مورد پرونده‌ای تشکیل شده باشد دادسرا یا دادگاه حسب مورد باید از تعقیب متهم خودداری کنند و قرار منع تعقیب صادر نمایند. تخلف از این مقررات در تعقیب و تحقیق هم طبق ماده‌ی ۱۰۶ همان قانون موجب محکومیت انتظامی تا درجه چهار است.

پس از آنکه در جرائم منافی عفت به یکی از چهار طریق مذکور در ذیل ماده‌ی ۱۰۲ پرونده‌ای تشکیل شد تحقیقات مقدماتی در جرائم منافی عفت طبق ماده‌ی ۳۰۶ با دادگاه هست. دادگاه صالح در این ماده حسب مورد و بسته به

^۲ ماده ۳۰۶- (اصلاحی ۱۳۹۴) به جرائم منافی عفت به‌طور مستقیم، در دادگاه صالح رسیدگی می‌شود.

^۳ تبصره - تحقیق در جرائم منافی عفت ممنوع است مگر در مواردی که جرم مشهود باشد و یا دارای شاکی خصوصی بوده که در مورد اخیر توسط قاضی دادگاه انجام می‌گیرد.

^۴ petty offences

^۵ ماده ۳۴۰- جرائم تعزیری درجه هفت و هشت، به‌طور مستقیم در دادگاه مطرح می‌شود.

^۱ ماده ۱۰۲- (اصلاحی ۱۳۹۴) انجام هرگونه تعقیب و تحقیق در جرائم منافی عفت ممنوع است و پرسش از هیچ فردی در این خصوص مجاز نیست، مگر در مواردی که جرم در مرئی و منظر عام واقع شده و یا دارای شاکی یا به عنف یا سازمان‌یافته باشد که در این صورت، تعقیب و تحقیق فقط در محدوده شکایت و یا اوضاع‌و‌احوال مشهود توسط مقام قضائی انجام می‌شود.

در حقوق انگلستان در دو مورد رسیدگی بدون کیفرخواست می‌باشد:

۱- مواردی که در دادگاه‌های صلح مطرح می‌شود و این دادگاه جرم را در صلاحیت خود می‌بیند و به رسیدگی ادامه می‌دهد. این مورد بیشتر با آنچه در حقوق ایران در جرائم سبک بدون کیفرخواست رسیدگی می‌شود یعنی جرائم تعزیری درجه هفت و هشت متناظر می‌باشد.

۲- در جرائم دو وجهی^۲ دادگاه صلح تصمیم می‌گیرد که پرونده را به دادگاه جزا ارسال نکند و خودش رسیدگی کند. این جرائم هم عمدتاً با اینکه جرائم نسبتاً سنگین‌تری از جرائم دسته‌ی اول می‌باشند اما هیچ‌گاه مجازات‌های شدیدی مانند سلب حیات ندارند مانند سرقت که اگر دادگاه صلح تشخیص دهد که سرقت مشدد نیست خودش رسیدگی می‌کند و الا به دادگاه کیفری می‌فرستد. (اسلپر و کلی، ۲۰۱۱: ۲۹۶)^۳ در نتیجه حقوق انگلستان با سه دسته از جرائم مواجه هست که امکان رسیدگی دو دسته از آن‌ها به صورت بدون کیفرخواست وجود دارد.

آنچه در حقوق انگلستان باید ذکر شود این است که در این کشور رسیدگی به جرایم خرد به صورت اختصاری در دادگاه صورت می‌گیرد. این دادگاه معمولاً توسط یک تا سه قاضی حقوق خوانده^۴ هدایت می‌شود که این قضات جز هزینه‌های حضورشان در دادگاه، حقوقی دریافت نمی‌کنند و به این شکل یک دادرسی ارزان برای این کشور فراهم می‌آید. در دادگاه صلح یک منشی عضویت دارد که قضات غیر حقوقی دادگاه را در مسائل حقوقی راهنمایی می‌نماید. شایان ذکر است که ممکن است دادگاه صلح توسط یک قاضی حرفه‌ای هم اداره گردد اما این ساختار فراوانی کم‌تری نسبت به ساختار اولیه دارد. (مارتین، ۲۰۱۴: ۱۶۳)^۵

۱.۲.۲.۳ حکم به پرداخت دیه در موارد خاص

طبق ماده‌ی ۴۵۲ قانون مجازات اسلامی دیه تابع احکام ضمان مالی است و احکام و آثار مسئولیت مدنی بر آن بار می‌شود.^۶ پس مطالبه دیه یک دعوای خصوصی محسوب

ماده‌ی ۱۹ قانون مجازات اسلامی جرائم تعزیری درجه هفت و هشت عبارت‌اند از: حبس تا شش ماه - جزای نقدی تا بیست میلیون (۲۰.۰۰۰.۰۰۰) ریال - شلاق تا سی ضربه - محرومیت از حقوق اجتماعی تا شش ماه.

از آنجایی که قانون‌گذار در مورد جرائم درجه شش، هفت و هشت امتیازات ویژه‌ای (مانند تعویق صدور حکم، تعلیق تعقیب، در نظر نگرفتن مجازات تبعی برای مرتکبان این جرائم، معافیت از مجازات با توبه، ارجاع به میانجیگری و ...) قرار داده و سهل‌گیری کرده است به نظر می‌رسد؛ می‌توان آن‌ها را جرائم خرد محسوب کرد (اسفندیاری و نورپور، ۱۳۹۶: ۷) اما این‌که قانون‌گذار فقط در رسیدگی به جرائم درجه‌ی هفت و هشت دادگاه را مسئول انجام تحقیقات مقدماتی می‌داند شایسته‌ی تقدیر است زیرا رسیدگی به جرائم درجه‌ی شش پیچیدگی‌هایی دارد که مناسب است رسیدگی به آن‌ها با دقت بیشتری انجام گیرد.

در حقوق انگلستان جرایم از نظر شکل رسیدگی به سه دسته تقسیم می‌شوند؛ جرایم اختصاری، جرایم با کیفرخواست و جرایم دو وجهی. پس از آنکه هر پرونده توسط دادستان سلطنتی مورد بررسی قرار می‌گیرد در صورتی که ادله برای صدور مجرمیت کافی باشد پرونده‌ها همگی به دادگاه صلح فرستاده می‌شوند. دادگاه صلح در هر پرونده باید نوع جرم را مشخص نمایند و در صورتی که آن را در دسته‌ی جرائم اختصاری بداند خود رسیدگی می‌نماید و در صورتی که آن را جزء جرائم قابل کیفرخواست بداند (مانند قتل عمد، قتل غیر عمد، تجاوز به عنف و سرقت مسلحانه) با صدور کیفرخواست برای رسیدگی به دادگاه جزا ارسال می‌نمایند. در مورد جرائم دووجهی دادگاه صلح باید شیوه‌ی رسیدگی را تعیین نماید و در صورتی که قائل به صلاحیت دادگاه جزا باشد پرونده را به آن مرجع ارسال نماید و در غیر این صورت خود رسیدگی نماید. (فاینسکی و فینچ، ۲۰۱۰: ۱۲۳)^۱

⁵ martin, 2014:163

⁶ دیه، حسب مورد حق شخصی مجنی علیه یا ولی دم است و احکام و آثار مسئولیت مدنی یا ضمان را دارد.

¹ Fafinski and finch, 2010:121

² Either way

³ slapper, Kelly, 2011:296

⁴ Lay man

۱.۲.۳.۱ رسیدگی در دادگاه بخش

دادگاه بخش کوچک‌ترین واحد قضایی در تشکیلات دادگستری است که در صورت ضرورت در حوزه‌ی بخش^۴ و در صورت صلاحدید رئیس قوه‌ی قضائیه در شهرستان‌های جدید که به علت کم بودن تعداد پرونده‌ها نیازی به ایجاد تشکیلات دادگستری نباشد تأسیس می‌گردد.^۵ برای بحث در مورد دادگاه بخش به بررسی جرایم مختلف در صلاحیت دادگاه بخش می‌پردازیم:

الف: جرائم در صلاحیت دادگاه کیفری دو: وقتی جرمی از جرائم داخل در صلاحیت دادگاه کیفری دو در حوزه‌ی قضایی بخش اتفاق می‌افتد؛ طبق ماده ۳۳۶ قانون آیین دادرسی کیفری، رئیس یا دادرس علی‌البدل در جرائم موضوع صلاحیت این دادگاه رأساً رسیدگی و رأی صادر می‌کند یعنی از ابتدا تا انتهای تحقیقات مقدماتی و رسیدگی توسط خود دادگاه بخش انجام می‌شود. در اینجا دادگاه بخش هم چون دادگاه کیفری دو انجام وظیفه می‌کند با این تفاوت که در دادگاه کیفری دو، جز در مورد جرائم تعزیری درجه هفت و هشت رسیدگی پس از صدور کیفرخواست از سوی دادستان و انجام تحقیقات مقدماتی توسط بازپرس انجام می‌گیرد (ساولانی، ۱۳۹۴، ج ۲: ۵۳) اما در دادگاه بخش در کل جرائم داخل در صلاحیت دادگاه کیفری دو رسیدگی بدون کیفرخواست است. این مسئله مورد انتقاد است زیرا اگر مبنای رسیدگی به صورت بدون کیفرخواست را در تمام جرائم تعزیری درجه‌ی ۷ و ۸ بپذیریم، پذیرش این مبنا و نقض برخی از اصول دادرسی در رسیدگی دادگاه بخش به جرائم تعزیری درجه‌ی ۴ که طبق ماده‌ی ۱۹ ق.م.ا شامل پنج تا ده سال حبس می‌شود یا دیگر جرائم مهم داخل در صلاحیت دادگاه بخش، بدون

می‌شود. از طرف دیگر سقوط دعوای عمومی طبق نص ماده ۲۰ قانون آ.د.ک^۱ تأثیری در سقوط دعوای خصوصی ندارد؛ لذا گاهی ممکن است با وجود سقوط دعوای عمومی نیاز به تعیین تکلیف در مورد دیه داشته باشیم (مانند فرض تبصره‌ی دو ماده‌ی ۸۵ قانون آیین دادرسی کیفری). در این صورت طبق تبصره یک ماده ۸۵ ق.آ.د.ک^۲ پرونده با دستور دادستان و بدون صدور کیفرخواست به دادگاه ارسال می‌شود تا در این مورد تصمیم‌گیری نماید و در صورت صلاحدید حکم به پرداخت دیه دهد. مورد دیگر هم درجایی است که دیه طبق ماده‌ی ۸۵ ق.آ.د.ک^۳ باید از بیت‌المال پرداخت شود که در این مورد نظریه‌ی شماره ۵۸۳/۹۳/۷ مورخ ۱۳۹۳/۳/۱۳ اداره‌ی حقوقی بیان می‌دارد: «در صورت مطالبه دیه توسط شاکی یا اولیاء دم از بیت‌المال به استناد مواد ۴۷۰ و ۴۸۷ قانون مجازات اسلامی ۱۳۹۲، پرونده کیفری بدون صدور قرار مجرمیت و کیفرخواست به دادگاه عمومی جزایی ارسال می‌گردد و دادگاه با بررسی موضوع و احراز شرایط قانونی، حکم به پرداخت دیه از بیت‌المال صادر می‌نماید». همان‌طور که از نظریه‌ی اداره‌ی حقوقی مشخص هست مطالبه‌ی دیه از بیت‌المال هم مانند مطالبه‌ی دیه با وجود سقوط دعوای عمومی، مصداقی از دادرسی بدون کیفرخواست است.

۱.۲.۳ رسیدگی‌های بدون کیفرخواست بر اساس مرجع رسیدگی کننده

در این جا چهار مرجع بررسی شده است که رسیدگی در آن‌ها به صورت بدون کیفرخواست صورت می‌گیرد؛ دادگاه بخش، شورای حل اختلاف، قرار جلب به دادرسی توسط دادگاه و حصول لوث در دادسرا در پرونده قتل عمدی.

^۳ ماده ۸۵- در مواردی که دیه باید از بیت‌المال پرداخت شود، پس از اتخاذ تصمیم قانونی راجع به سایر جهات، پرونده به دستور دادستان برای صدور حکم مقتضی به دادگاه ارسال می‌شود.

^۴ ماده ۲۹۹- در صورت ضرورت به تشخیص رئیس قوه قضائیه در حوزه بخش، دادگاه عمومی بخش تشکیل می‌شود.

^۵ تبصره ۱- به تشخیص رئیس قوه قضائیه، تشکیل دادگاه عمومی بخش در شهرستان‌های جدید که به لحاظ قَلت میزان دعوای حقوقی و کیفری، ضرورتی به تشکیل دادگستری نباشد بلامانع است.

^۱ ماده ۲۰- سقوط دعوای عمومی موجب سقوط دعوای خصوصی نیست. هرگاه تعقیب امر کیفری به جهتی از جهات قانونی موقوف یا منتهی به صدور قرار منع تعقیب یا حکم برائت شود، دادگاه کیفری مکلف است، در صورتی که دعوای خصوصی در آن دادگاه مطرح شده باشد، مبادرت به رسیدگی و صدور رأی نماید.

^۲ تبصره ۱- (الحاقی ۱۳۹۴) حکم این ماده در مواردی که پرونده با قرار موقوفی تعقیب یا با هر تصمیم دیگری در دادسرا مختومه می‌شود اما باید نسبت به پرداخت دیه تعیین تکلیف شود نیز جاری است.

ندارد. در نظریه‌ی مشورتی شماره ۷/۹۳/۰۹۶۳ اداره حقوقی قوه‌ی قضاییه هم این‌چنین آمده است: «توجه به حوزه صلاحیت دادگاه بخش که مطابق ماده ۲۹۹ قانون آیین دادرسی کیفری ۱۳۹۲ به تمام جرائم در صلاحیت دادگاه کیفری دو رسیدگی می‌کند و با عنایت به ماده ۳۳۷ این قانون که رئیس دادگاه بخش یا دادرس آن تنها در حوزه جرائم موضوع ماده ۳۰۲ قانون مذکور که در صلاحیت دادگاه کیفری یک است، می‌تواند به‌عنوان جانشین بازپرس اقدام کند؛ بنابراین قضات دادگاه بخش، صلاحیت انجام تحقیقات مقدماتی و صدور قرار مجرمیت را در جرائمی که در صلاحیت دادگاه انقلاب است و در ماده ۳۰۳ این قانون آمده است، ندارند.»

۲- بر اساس راه‌حل دوم، دادگاه بخش خود را یک دادگاه در نظر می‌گیرد و پس از بررسی اولیه، پرونده را به دادگاه انقلاب شهرستان (در صورت تشکیل دادگاه انقلاب در شهرستان) و الا پرونده را به دادگاه انقلاب مرکز استان می‌فرستد؛ نتیجتاً این‌که چون دادگاه بخش یک دادگاه هست خود را هم‌شان دادگاه می‌بیند و پرونده را به دادگاه انقلاب می‌فرستد.

۳- دادگاه بخش تحقیقات مقدماتی را انجام می‌دهد و با صدور کیفرخواست پرونده را به دادگاه انقلاب می‌فرستد. در واقع دادگاه بخش همانند دادستان عمل می‌کند. اداره‌ی حقوقی هم در نظریه مشورتی شماره ۷/۵۳۱۶ - ۷/۱۸ / ۱۳۸۳ این رویه را تصدیق می‌نماید و اشعار می‌دارد: «با توجه به قسمت اخیر بند «الف» ماده ۳ قانون اصلاح قانون تشکیل دادگاه‌های عمومی و انقلاب مصوب مهرماه ۱۳۸۱ که مقرر داشته، در حوزه قضایی بخش، وظیفه دادستان را دادرس علی‌البدل بر عهده دارد؛ در جرائم داخل در صلاحیت دادگاه عمومی جزایی و انقلاب، دادرس موصوف جانشین دادستان است که پس از انجام تحقیقات مقدماتی در صورت اعتقاد به مجرمیت قرار مربوط را صادر و با کیفرخواست پرونده را حسب مورد به دادگاه صالح ارسال می‌نماید.»

۴- دادگاه بخش بدون رسیدگی پرونده را به همان دادرس عمومی و انقلاب می‌فرستد یعنی این‌گونه تلقی

مبناست و از دادرسی عادلانه به دور است. تنها مبنایی که شاید بتوان برای رسیدگی افتراقی به این جرائم در دادگاه بخش ذکر نمود سکونت در بخش است!

ب: جرائم در صلاحیت دادگاه اطفال: در این موارد دادگاه بخش دقیقاً مثل دادگاه اطفال و بدون کیفرخواست رسیدگی می‌کند زیرا طبق نص تبصره ماده‌ی ۱۲۹۸ قانون آ.د.ک در صورتی که دادگاه اطفال درجایی وجود نداشته باشد دادگاه کیفری دو رسیدگی را بر عهده دارد؛ مضافاً اینکه به نظر می‌رسد منظور از عبارت انتهایی تبصره‌ی ماده‌ی ۲۹۸ این قانون، دادگاه بخش هست زیرا این دادگاه بخش است که وظایف دادگاه کیفری دو را بر عهده دارد.

پ: جرائم در صلاحیت دادگاه کیفری یک: در اینجا برخلاف دو مورد قبل، رئیس دادگاه بخش به جانشینی از بازپرس و تحت نظارت و تعلیمات دادستان شهرستان مربوط، انجام وظیفه می‌نماید. در این مورد رئیس دادگاه بخش و در صورت نبود ایشان دادرس دادگاه بخش، تحت نظارت و تعلیمات دادستان شهرستان اقدام به انجام تحقیقات مقدماتی می‌کند و در صورتی که نظر بر صدور قرار جلب به دادرسی باشد پرونده برای صدور کیفرخواست به نظر دادستان شهرستان می‌رسد. (رحمدل، ۱۳۹۴: ۵۲) این موضوع در ماده‌ی ۳۳۷ قانون آ.د.ک مندرج هست که جایگزین تبصره‌ی ۶ ماده‌ی ۳ قانون اصلاح قانون تشکیل دادگاه‌های عمومی و انقلاب مصوب سال ۱۳۸۱ شده است.

ت: جرائم در صلاحیت دادگاه انقلاب: یکی از مهم‌ترین مسائل در دادگاه بخش وقوع یک جرم در صلاحیت دادگاه انقلاب در حوزه‌ی بخش هست. در صورتی که در بخش با جرائم داخل در صلاحیت دادگاه انقلاب روبه‌رو باشیم، پنج راه‌حل مورد تصور می‌باشد:

۱- دادگاه بخش به صلاحیت دادرسای عمومی و انقلاب شهرستان قرار عدم صلاحیت صادر می‌کند؛ زیرا در قانون آ.د.ک فقط صحبت از رسیدگی دادگاه بخش به جرائم در صلاحیت کیفری یک و کیفری دو بود؛ پس دادگاه بخش صلاحیتی در رسیدگی به جرائم در صلاحیت دادگاه انقلاب

کیفری دو یا دادگاهی که وظایف آن را انجام می‌دهد رسیدگی می‌شود.

۱..... تا زمانی که دادگاه اطفال و نوجوانان در محلی تشکیل نشده است، به کلیه جرائم اطفال و نوجوانان به جز جرائم مشمول ماده (۳۱۵) این قانون، در شعبه دادگاه

قانون آیین دادرسی کیفری رسیدگی را انجام دهد و چون رسیدگی به کلیه جرائم درجه هفت و هشت به صورت بدون کیفرخواست در دادگاه کیفری دو می‌باشد در اینجا هم رسیدگی به صورت بدون کیفرخواست توسط قاضی شورا انجام می‌شود و خود قاضی شورا وظیفه تحقیق و صدور رأی را بر عهده دارد.

در رسیدگی به این جرائم قاضی شورای حل اختلاف تعقیب، تحقیق و رسیدگی را بر عهده دارد. اگرچه طبق ماده ۴۲۷ ق.آ.د.ک.^۴ آرای دادگاه‌های کیفری در جرائم تعزیری درجه‌ی هشت همگی قطعی محسوب می‌شوند اما طبق ماده ۲۷ قانون شورای حل اختلاف^۵، آرای شورای حل اختلاف در رسیدگی به جرائم مربوط به جرائم تعزیری جزای نقدی درجه‌ی هشت ظرف بیست روز از تاریخ ابلاغ قابل تجدید نظرخواهی در دادگاه کیفری دو می‌باشد. حال اگر دادگاه کیفری دو رأی را نقض کند خود رسیدگی می‌کند و رأی دادگاه کیفری دو در این مورد قطعی است.

۱.۲.۳.۳. اقرار جلب به دادرسی توسط

دادگاه

اگر دادسرا در مقام صدور قرار نهایی قرار منع تعقیب صادر نماید آنگاه شاکی طبق ماده ۲۷۰ ق.آ.د.ک.^۶ این حق را دارد که نسبت به این قرار اعتراض نماید. رسیدگی به اعتراض شاکی در این صورت در دادگاه صالح برای رسیدگی

می‌گردد که دادگاه بخش حوزه دادرسی عمومی و انقلاب هست.

۵- به دادرسی دادگاه بخش یک ابلاغ ویژه داده می‌شود که هم قاضی دادگاه بخش باشد و هم دادرسی دادگاه انقلاب. در اینجا در صورت وقوع جرم رسیدگی به همان شیوهی بدون کیفرخواست صورت خواهد گرفت. از میان پنج روش مذکور، روش نخست با اصول حقوقی منطبق می‌باشد و در روش آخر رسیدگی بدون کیفرخواست می‌باشد.

لازم به ذکر است که به نظر می‌رسد تفکیک شیوهی رسیدگی در دادگاه بخش در برخی جرائم همچون جرائم در صلاحیت دادگاه کیفری دو با آنچه در رسیدگی به این جرائم در دیگر مناطق کشور مرسوم است پسندیده نیست مضافاً این‌که مخالف اصل ۱۹ قانون اساسی^۱، ذیل مادهی دو قانون آ.د.ک و بند هفتم سیاست‌های کلی قضایی^۲ ابلاغی مقام معظم رهبری در سال ۸۲ که برای همه‌ی افراد رسیدگی یکسان را پیش‌بینی می‌کند هست.

۱.۲.۳.۲. رسیدگی در شورای حل اختلاف

در قانون شوراها حل اختلاف، صلاحیت قاضی شورا و صلاحیت خود شورا برای اولین بار از یکدیگر تفکیک شد و صلاحیت قاضی شورا در مادهی نه و صلاحیت شورا در مادهی هشت این قانون آمده است. یکی از موارد در صلاحیت قاضی شورا، مطابق بند «ح» مادهی نه، جرائم تعزیری صرفاً مستوجب مجازات جزای نقدی درجه هشت هست که رسیدگی به آن در صلاحیت قاضی شورا قرار دارد. قاضی شورا طبق مادهی ۳۱۸ باید بر اساس اصول

^۵ ماده ۲۷ - تمام آرای صادره موضوع ماده ۹ این قانون ظرف مدت بیست روز از تاریخ ابلاغ، قابل تجدیدنظرخواهی می‌باشد. مرجع تجدیدنظر از آرای قاضی شورا، حسب مورد دادگاه عمومی حقوقی یا کیفری دو همان حوزه قضائی می‌باشد. چنانچه مرجع تجدیدنظر آرای صادره را نقض نماید، رأساً مبادرت به صدور رأی می‌کند. این رأی، قطعی است و اگر رسیدگی به موضوع در صلاحیت مرجع دیگری باشد، پرونده را به مرجع صالح ارسال می‌کند.

^۶ ماده ۲۷۰ - علاوه بر موارد مقرر در این قانون، قرارهای

بازپرس در موارد زیر قابل اعتراض است:

الف- قرار منع و موقوفی تعقیب و اناطه به تقاضای شاکی

^۱ مردم ایران از هر قوم و قبیله که باشند از حقوق مساوی برخوردارند و رنگ، نژاد، زبان و مانند این‌ها سبب امتیاز نخواهد بود.

^۲ ۷ - یکسان‌سازی آیین دادرسی در نظام قضایی کشور با رعایت قانون اساسی.

^۳ ماده ۱۸ - رسیدگی قاضی حکومتی رئیس این سازمان از سوی وزیر دادگستری تعیین می‌شود.

^۴ ماده ۴۲۷ - آرای دادگاه‌های کیفری جز در موارد زیر که قطعی محسوب می‌شود، حسب مورد در دادگاه تجدیدنظر

استان همان حوزه قضایی قابل تجدیدنظر و یا در دیوان عالی کشور قابل فرجام است:

الف- جرائم تعزیری درجه هشت باشد

ایراد مطرح شود که این شیوه موجب نادیده گرفتن حقوق شاکی هست. برای جبران این نقص، برخی گفته‌اند؛ بازپرس می‌تواند با تفهیم حق اجرای قسامه به شاکی در دادگاه، او را به شکایت از قرار منع تعقیب در دادگاه دلالت نماید. در این صورت شاکی می‌تواند ضمن شکایت از این قرار، قسامه را در دادگاه اجرا نماید و از تضييع حق خود جلوگیری کند. (مجتهدی، ۱۳۹۳: ۳)

نظر دوم: طبق نظریه شماره ۷/۴۹۹۲ مورخ ۸۸/۸/۱۱ اداره حقوقی قوه قضاییه: «نظر به اینکه مقصود مقنن از اصطلاحات حاکم و قاضی در مواد قانونی مبحث قسامه، قاضی دادگاه است نه قاضی مرحله تحقیقات مقدماتی، لذا قضات دادسرا به محض احراز موارد لوث بدون اظهارنظر نسبت به مجرمیت یا منع تعقیب باید پرونده را برای رسیدگی و اتخاذ تصمیم به دادگاه ذیصلاح ارسال کنند.» به نظر می‌رسد طبق این دیدگاه دادستان می‌تواند به‌مانند آنچه در ماده ۸۵ قانون آیین دادرسی کیفری^۵ در مورد ارسال پرونده به دادگاه با صدور دستور مندرج است؛ پرونده را به دادگاه ارسال نماید. این دیدگاه در یکی دیگر از نظرات اداره حقوقی به بیانی دیگر مندرج می‌باشد. در این نظریه آمده است «پس از تحقق لوث، دادسرا ضمن تهیه گزارشی از حادثه و محتویات پرونده طبق رویه جاری، پرونده را از آمار دادسرا کسر و جهت اجرای مراسم قسامه و صدور حکم مقتضی به دادگاه ارسال می‌دارد. محدود نمودن دادگاه به اجرای مراسم قسامه و اعاده

به جرم یا کیفری دو^۱ می‌باشد. در صورتی که نظر دادگاه بر جلب به دادرسی باشد دادگاه قرار جلب به دادرسی صادر می‌نماید و پرونده را به دادسرا عودت می‌دهد. در این صورت بازپرس طبق ماده ۲۷۶ قانون آیین دادرسی کیفری، متهم را احضار، تأمین مناسب و آخرین دفاع از او اخذ و اتهام را به او تفهیم می‌کند و در نهایت پرونده را به دادگاه ارسال می‌نماید که در این صورت رسیدگی بدون کیفرخواست خواهد بود.^۲

۱.۲.۳.۴ حصول لوث در دادسرا در قتل عمدی

عمدی

در صورت حصول لوث در دادسرا (و نبود ادله‌ی دیگر) در پرونده‌های قتل عمدی بازپرس باید به چه صورت عمل نماید؟ مسلماً قسامه در دادگاه قابل اجرا هست و نه دادسرا، زیرا طبق ماده ۳۳۹ قانون مجازات اسلامی^۳ تمامی شرایط مقرر در سوگند برای قسامه هم لازم‌الاجرا می‌باشد و حال آن‌که ادای سوگند در دادگاه انجام می‌شود. اشکال اصلی در این هست که از طرفی لوث یک دلیل قطعی نیست تا دادسرا بتواند با استناد به آن قرار جلب به دادرسی صادر کند و از طرف دیگر هم دادگاه کیفری یک، جز با کیفرخواست نمی‌تواند شروع به رسیدگی کند^۴ حال سؤال این است که در چنین موردی بازپرس باید به چه شکلی عمل نماید؟ در این مورد چهار نظر وجود دارد:

نظر اول: در این موارد ظنی برای بازپرس ایجاد شده است و چون بر ظن مقامات دادسرا فایده‌ی عملی متصور نیست؛ بازپرس با استناد به نبود دلایل کافی مکلف به صدور قرار منع تعقیب است. در این جا ممکن است این

^۳ ماده ۳۳۹- در قسامه، همه شرایط مقرر در کتاب اول «کلیات» این قانون که برای اتیان سوگند ذکر شده است رعایت می‌شود.

^۴ ماده ۳۸۲ قانون آ.د.ک: دادگاه کیفری یک فقط در صورت صدور کیفرخواست و در حدود آن مبادرت به رسیدگی و صدور رأی می‌کند، مگر در جرائمی که مطابق قانون لزوماً به‌طور مستقیم در دادگاه کیفری یک مورد رسیدگی واقع می‌شود.

^۵ ماده ۸۵- در مواردی که دیه باید از بیت‌المال پرداخت شود، پس از اتخاذ تصمیم قانونی راجع به سایر جهات، پرونده به دستور دادستان برای صدور حکم مقتضی به دادگاه ارسال می‌شود.

^۱ ماده ۲۷۱- مرجع حل اختلاف بین دادستان و بازپرس و رسیدگی به اعتراض شاکی یا متهم نسبت به قرارهای قابل اعتراض، با دادگاهی است که صلاحیت رسیدگی به آن اتهام را دارد. چنانچه دادگاه انقلاب یا دادگاه کیفری یک در حوزه قضائی دادسرا تشکیل نشده باشد، دادگاه کیفری دو محل، صالح به رسیدگی است.

^۲ ماده ۲۷۶- در صورت نقض قرار منع تعقیب و صدور قرار جلب به دادرسی توسط دادگاه، بازپرس مکلف است متهم را احضار و موضوع اتهام را به او تفهیم کند و با اخذ آخرین دفاع و تأمین مناسب از وی، پرونده را به دادگاه ارسال نماید.

باشیم، اما در موارد طرح مستقیم دعوا در دادگاه یک طرف دعوا (مدعی) یعنی دادستان از فرآیند رسیدگی حذف شده و جایگزینی برای او تعیین نشده است. این مساله در کتاب القضا هم مورد تأکید قرار گرفته است.

پ: این شیوه از رسیدگی در حقوق انگلستان مختص جرائم خرد می‌باشد ولی در حقوق ایران در جرائم مهم همچون زانی به عنف که دارای مجازات اعدام می‌باشد هم جاری است.

ت: نقض بی‌طرفی هم به عنوان آخرین ایراد مد نظر قرار می‌گیرد زیرا مقام قضایی واحد امر تعقیب، تحقیق و رسیدگی را انجام می‌دهد و در نتیجه بی‌طرفی هم از جهت عینی و هم از جهت ساختاری نقض می‌شود.

۲ نتیجه‌گیری:

نتیجه نهایی این پژوهش در دو قسمت مجزا تشریح می‌گردد که در قسمت نخست خلاصه نتایج حاصله از این تحقیق بیان می‌گردد و در قسمت دوم پیشنهادات حاصل از این پژوهش بیان می‌گردد:

۲.۱ خلاصه نتایج حاصل از

پژوهش

رسیدگی بدون کیفرخواست در حقوق انگلستان شیوه‌ای از رسیدگی است که در جرائم اختصاری و جرائم دو وجهی در برخی از حالات، مورد پذیرش قرار گرفته است. در این شیوه از رسیدگی، دادرسی از دادگاه صلح شروع می‌شود و در دادگاه صلح نسبت به پرونده تصمیم‌گیری می‌شود و پرونده به دادگاه جزایی ارسال نمی‌شود. این شیوه از رسیدگی در انگلستان مختص جرائم خرد می‌باشد. در مقابل این شیوهی دادرسی در حقوق انگلستان، رسیدگی با کیفرخواست هست که در جرائم مهم در دادگاه جزا و با حضور هیئت‌منصفه انجام می‌شود. در این کشور رسیدگی بدون کیفرخواست ناظر به حذف تشریفات رسیدگی می‌باشد و در آن هیئت منصفه وجود ندارد و معمولاً از قضات غیرحرفه‌ای استفاده می‌شود.

مهم‌ترین نوع رسیدگی بدون کیفرخواست در حقوق ایران مربوط به موارد طرح مستقیم دعوا در دادگاه است

پرونده به دادسرا جهت صدور قرار مجرمیت و کیفرخواست موجه نمی‌باشد و ضرورتی ندارد^۱.

نظر سوم: دادگاه باید پرونده را با همان لوث یا دلیل ظنی به دادگاه ارسال نماید و کیفرخواست صادر نماید. این نظر اگرچه مشکل عملی ندارد اما ایراد اساسی آن است که این قرار جلب به دادرسی پایه‌ی یک مجرمیت بی‌اساس است زیرا صدور این قرار و کیفرخواست نیازمند وجود دلیل است. (نجف زاده، ۱۳۸۵: ۵)

نظر چهارم: این نظر با یک رفت و آمد اضافی در پروسه پرونده همراه است که در آن دادسرا در صورت حصول لوث، پرونده را برای اجرای قسامه به دادگاه کیفری یک می‌فرستد و دادگاه پس از انجام قسامه بار دیگر پرونده را به دادسرای صالح ارجاع می‌دهد تا با صدور کیفرخواست پرونده را به دادگاه کیفری یک برگرداند. به نظر می‌رسد از میان چهار نظر ارائه‌شده نظر دوم با اصول حقوقی و دادرسی کیفری سازگارتر هست لذا با وجود اختلاف نظر میان حقوقدانان در این خصوص، می‌توان این مصداق را به عنوان یکی از موارد دادرسی بدون کیفرخواست مطرح نمود.

۱.۳ ایرادات دادرسی بدون

کیفرخواست:

این نوع از دادرسی خصوصاً در مواردی که پرونده به صورت مستقیم در دادگاه مطرح می‌شود ایراداتی دارد که به برخی از آن‌ها اشاره شده است؛

الف: در طرح مستقیم دعوا در دادگاه، امر تعقیب، تحقیق و دادرسی توسط قاضی دادگاه انجام می‌شود. نقض اصل تفکیک مقام تعقیب، تحقیق و رسیدگی مهم‌ترین ایراد به طرح مستقیم دعوا در دادگاه به حساب می‌آید.

ب: در موارد طرح دعوی مستقیم در دادگاه، دادستان دخالتی ندارد و فقط می‌تواند در جلسات رسیدگی حاضر شود. در این موارد در صورتی که شاکی خصوصی وجود نداشته باشد و منفعت عمومی اقتضای طرح دعوا داشته باشد قاضی خودش باید طرح دعوا هم بکند. این در حالی است که در یک دعوا لزوماً باید مدعی و یک منکر داشته

^۱ شماره و تاریخ نظریه: ۸۳/۲/۲۶-۷/۳۴/۱۵۶

منابع

۲.۳ فارسی:

احمدی موحد، اصغر، «حذف دادسرا، علل و نتایج»، **حقوقی دادگستری**: شماره ۳۶ (پاییز ۱۳۸۰)

انصاری، اسماعیل، **مطالعه‌ی تطبیقی تعقیب مقامات دولتی**، تهران: انتشارات ریاست جمهوری، ۱۳۹۱

آخوندی، محمود، «اثبات جرائم منافی عفت از نگاهی دیگر»، **مطالعات راهبردی زنان**، شماره ۲۲ (زمستان ۱۳۸۲)، ۱۰۷-۱۲۹

آخوندی، محمود، **آیین دادرسی کیفری**، اندیشه‌ها، ج ۴، تهران: انتشارات وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی سازمان چاپ و انتشارات، ۱۳۷۹

آخوندی، محمود، **آیین دادرسی کیفری**، دادسرا و کیفرخواست، ج ۶، تهران: انتشارات وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی سازمان چاپ و انتشارات، ۱۳۸۷

آشوری، محمد، **آیین دادرسی کیفری**، ج ۱، تهران: انتشارات سمت، ۱۳۸۵

آشوری، محمد، **آیین دادرسی کیفری**، ج ۲، تهران: انتشارات سمت، ۱۳۸۴

بارکلی، گوردن، «نظام عدالت کیفری در انگلستان و ولز»، **نسرین مهر**، **تحقیقات حقوقی**، شماره ۱۶ و ۱۷ (پاییز ۷۴ تا بهار ۷۵)، ۴۰۶-۳۵۹

باقری نژاد، زینب، **اصول آیین دادرسی کیفری**، تهران: انتشارات خرسندی، ۱۳۹۴

پاک‌نهاد، امیر، «رویکرد نوین حقوق انگلستان به بزهکاری اطفال»، **الهیات و حقوق**، شماره ۱۹ (بهار ۱۳۸۵)، ۱۵۲-۱۲۳

پویا سیرت، محمدحسین، «رسیدگی به جرائم اطفال در قانون آیین دادرسی کیفری ۱۳۹۲»، **مطالعات حقوق**، شماره ۹ (بهار ۱۳۹۶)، ۳۴-۲۳

توحید خواه، فرانک، **دیوان عالی کشور (وظایف و اختیارات قانونی)**، تهران: انتشارات خرسندی، ۱۳۹۱

تولیت، سید عباس، «صلاحیت عام محاکم دادگستری و صلاحیت شعب تعزیرات حکومتی»

که خود چندین مصداق را در برمی‌گیرد. در این شیوه از رسیدگی انتقاداتی به شیوه دادرسی وارد است. علی‌رغم اینکه در هرکدام از مصادیق دادرسی بدون کیفرخواست قانون‌گذار با مبنای خاصی این نوع دادرسی را تجویز نموده است اما تصدیق درستی این مبانی، انتقادات به شیوه رسیدگی را از بین نمی‌برد. در طرح مستقیم دعوا در دادگاه، یک مقام قضایی از ابتدا تا انتهای پرونده را مورد بررسی قرار می‌دهد. این شکل از رسیدگی عملاً برخی اصول اساسی دادرسی کیفری را خدشه‌دار می‌نماید. ازجمله این اصول می‌توان به اصل تفکیک مقامات قضایی، اصل تفکیک مقام تعقیب و تحقیق و دادرسی بی‌طرفانه اشاره نمود که همگی در این شیوه از رسیدگی نقض می‌شوند.

۲.۲ پیشنهادات

۱- به عنوان جایگزین طرح دعوای مستقیم در دادگاه، در مواردی که در آن دادرسی عادلانه خدشه‌دار می‌شود؛ پیشنهاد می‌شود رسیدگی با کیفرخواست شفاهی جایگزین شود زیرا در این نوع از رسیدگی، برخی از اصول دادرسی هم چون اصل تفکیک و تعدد مقامات رسیدگی نقض نمی‌شود. در ضمن سرعت در رسیدگی هم که یکی از مبانی اصلی دادرسی بدون کیفرخواست می‌باشد فراهم می‌شود.

۲- در صورتی که نظر قانون‌گذار این هست که باید موارد طرح مستقیم دعوا در دادگاه به شکل کنونی باقی بماند؛ پیشنهاد می‌شود تمامی مصادیق دادرسی مستقیم در یک دادگاه انجام شود و سازوکار مناسبی برای این نوع از رسیدگی تعیین شود، همان‌گونه که در حقوق انگلستان همگی این مصادیق در دادگاه صلح رسیدگی می‌شوند.

۳- فرآیند رسیدگی به جرائم دووجهی در حقوق ایران قابل استفاده است. پیشنهاد می‌شود در جرائم درجه‌ی پنج و شش این اختیار به دادستان داده شود که در صورت صلاحدید رسیدگی اختصاری را پیش‌بینی نماید. البته اختیار دادستان نسبت به پیش‌بینی کیفرخواست شفاهی در همین راستا هست.

طهماسبی، جواد، **آیین دادرسی کیفری**، ج ۲، تهران: انتشارات میزان، ۱۳۹۶

قوامی، هوشنگ، «دادگستری منهای دادسرا = کاهش دقت قضائی»، **گزارش**، شماره ۷۸ (مرداد ۱۳۷۶)، ۳۱

گلدوست جویباری، رجب، **آیین دادرسی کیفری**، تهران: انتشارات جاودانه: جنگل، ۱۳۹۶

گلدوست جویباری، رجب، قلی پور جمنانی، فرامرزی، «عدول از اصل تفکیک مقام تعقیب از مقام تحقیق در قانون آیین دادرسی»، **حقوقی دادگستری**، شماره ۹۲ (زمستان ۱۳۹۴)، ۱۲۵-۱۴۴

محسنی، حسنی، «جایگاه شورای حل اختلاف و طرق فوق‌العاده شکایت از آرای آن»، **حقوقی دادگستری**، شماره ۹۲ (زمستان ۹۴)، ۱۶۸-۱۴۵

معظمی، شهلا، **داورسی ویژه کودکان و نوجوانان**، تهران: انتشارات دادگستر، ۱۳۹۴

مهر، نسرين، **دانشنامه‌ی حقوق کیفری انگلستان**، تهران: نشر میزان، ۱۳۹۲

مهر، نسرين، **عدالت کیفری کودکان و نوجوانان**، تهران: انتشارات میزان، ۱۳۹۰

مهر، نسرين، **نظام حقوقی انگلستان**، تهران: نشر میزان، ۱۳۸۷

ناجی زواره، مرتضی، **آشنایی با آیین دادرسی کیفری**، ج ۱، تهران: انتشارات خرسندی، ۱۳۹۵

ناجی زواره، مرتضی، **داورسی بی‌طرفانه در امور کیفری**، تهران: موسسه مطالعات و پژوهش‌های حقوقی شهر دانش، ۱۳۸۹

۲.۴ منابع لاتین:

Martin, Jacqueline, (2014), **Key fact key cases English Legal System**, Routledge.

Fafnski, Stefan, Finch, Emily, (2010), **English legal system**, Third edition, pearson

Partington, Martin, (2012-2013) **Introduction to the English legal system**, Sixth Edition, oxford university press

دیدگاه‌های حقوق قضایی، شماره ۱۷ و ۱۸ (بهار و تابستان ۱۳۷۹)، ۵۶-۲۷

جعفری، آزاد، «بررسی تطبیقی تحقیقات مقدماتی و کشف جرم در انگلستان و ایران»، **مطالعات علوم سیاسی**، شماره ۳ (پاییز ۱۳۹۵)، ۱۰۴-۹۳

جوانمرد، بهروز، **داورسی‌های اختصاصی کیفری**، تهران: انتشارات جاودانه: جنگل، ۱۳۹۶

حداد زاده نیری، محمدرضا، «تحقیق در جرائم منافی عفت»، **حقوقی دادگستری**، شماره ۶۷ (پاییز ۱۳۸۸)، ۱۱۵-۱۲۶

خاطری، برهان، **فرآیند داورسی اطفال و نوجوانان بزهکار**، تهران: انتشارات خرسندی، ۱۳۹۵

درخشان، محمدرضا، **اصل تسریع در رسیدگی کیفری در حقوق ایران و انگلستان**، دانشکده حقوق دانشگاه شهید بهشتی، ۱۳۸۷

دلیر، صادق، گزارش سمینار بررسی قانون احیای داورسراها: نهاد داورسراها، **پژوهش‌های مدیریت راهبردی**، شماره ۳۰ و ۳۱ (۱۳۸۲)، ۳۱۰-۳۰۳

زارعی محمودآبادی، مهدی، «واکاوی بزه پوشی در قوانین کیفری ایران»، **مطالعات حقوق**، شماره ۱۷ (زمستان ۱۳۹۶)، ۲۹۲-۳۱۲

ساولانی، اسماعیل، **آیین داورسی کیفری مصوب بر اساس آخرین اصلاحات مصوب ۱۳۹۴/۳/۲۴**، ج ۱، تهران: مشاهیر دادآفرین، ۱۳۹۴

سهرابی، مصطفی، **اصل سرعت در داورسی منصفانه از منظر قانون آیین داورسی کیفری**، دانشکده حقوق/دانشگاه علوم قضایی و خدمات اداری

صالحی، جواد، سخنور، محمدرضا، «حمایت کیفری از حقوق شاکی در روند داورسی عادلانه»، **کانون وکلا**، شماره ۲۰۲ و ۲۰۳ (پاییز و زمستان ۱۳۸۷)، ۲۷۴-۲۵۳

ضرغامی، فرید، مهر، نسرين، «مبانی داورسی بدون کیفرخواست در نظام‌های حقوقی ایران و انگلستان»، **پژوهش‌های حقوق تطبیقی**، شماره ۲ (تابستان ۱۳۹۳)، ۱۵۱-۱۲۷



Herring, Jonathan, (2011), **Criminal law**, Eighth edition, uk, Palgrave macmillan, Eighth edition

Herring, Jonathan, (2012), **Criminal law Text, Cases, and Materials**, Fifth edition

Bohlander, Michael, (2009), **Studies in International and Comparative Criminal Law** Elliott, Catherine, Quinn, Frances, (2010), **Criminal Law**, 8th edition, Pearson

Routledge, (2010-2011), **English Legal System**, Fourth edition 91. Easton, Catherine, (2013), **Course note English legal system**, second edition, Routledge

Slapper, Gary, Kelly, David, (2014-2015), **The English Legal System**, Fifteenth Edition, Routledge



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
 رتال جامع علوم انسانی